

نقش تطبیق علت - پیامد در اولویت‌بندی انگیزه‌های جوانان از تحصیلات دانشگاهی، مورد مطالعه: جوانان گناباد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

مریم اسکافی^۲

حمید مسعودی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اولویت‌بندی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی براساس ترکیبی از نظریه‌ی تطبیق علت - پیامد و نظریه‌ی کنش اجتماعی پارسونز است. روش تحقیق پیمایشی و در پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته، مقیاس برش قطبین به کار گرفته شده است. در این روش، از ۴۷۱ جوان شهر گناباد خواسته شده است تا براساس محرک "فارغ‌التحصیل دانشگاه" به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نمره دهند. پاسخگویان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی را "در حد متوسط" ارزیابی کرده‌اند. کارکرد اجتماعی (کسب منزلت و موقعیت‌های بهتر اجتماعی)، فرهنگی (کسب دانش و داشتن ذهن باز و خلاق)، سیاسی (قدرت فردی و سازمانی) و اقتصادی (فرصت شغلی مناسب، درآمد کافی و کارایی در جامعه) به ترتیب، در اولویت کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از دید این جوانان قرار دارند. جنسیت، سن، مقطع تحصیلی (دانش‌آموز، دانشجو و فارغ‌التحصیل)، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و علاقه برای ورود به دانشگاه، بر میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر جوانان مؤثر است و عوامل فوق در رگرسیون رتبه‌ای، در مجموع، حدود ۱۳ درصد تغییرهای متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: دانشگاه، جوانان، کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، مدل AGIL پارسونز

۱. این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد انجام شده است.

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، نویسنده مسؤل

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی و اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
meskafi@yahoo.com
massoudihamid@gmail.com

مقدمه

امروزه ورود به آموزش عالی به رفتاری جمعی مبدل شده است؛ تا جایی که اهالی علم از این پدیده به عنوان یک "تقاضای اجتماعی" یاد می کنند. جامعه شناسی آموزش عالی، شاخه‌ی جدیدی است که عهده دار تبیین و توضیح نقش، کارکرد و تأثیرهای اجتماعی نظام آموزش عالی است (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۰). براساس نظریه‌ی سرمایه‌ی انسانی، افراد زمانی به سرمایه‌گذاری مالی در آموزش می پردازند که سودآور باشد. آنچور و دیگران (2011: 675) Anchor & et al, برخی تحقیقات اسدبیگی، نادری و انتظاری، ۱۳۹۲؛ بیرن و دیگران (Byrne & et al, 2012)؛ کمبر، هو و هونگ (Kember, Ho & Hong, 2010)؛ ظهیری نیا و بهروزیان، ۱۳۹۱؛ جیانلی و مونفردینی (Giannelli & Monfardini, 2000)؛ هاشمی پور، نوابی و سرداری، ۱۳۹۰؛ حقیقت نائینی، ۱۳۹۰؛ احمدی و خضری، ۱۳۹۰؛ احمدی، الوند و قهرمانی، ۱۳۹۰؛ داویس، نولند و دیتون (Davis, Noland & Deaton, 2001) مؤید این دیدگاه است. دیدگاه‌های سیاسی و فمینیستی، تحصیلات دانشگاهی را عامل برابری و افزایش قدرت در زنان می دانند (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱؛ لیاقت دار و دیگران، ۱۳۸۸؛ حیدری، صالحی عمران و منتظری جویباری، ۱۳۸۸). دیدگاه‌های فرهنگی هم، سعی در بررسی این پدیده از بعد اجتماعی و فرهنگی دارند، مک نیلا و گانون (MacNeela & Gannon, 2014)؛ ایزدی و دیگران، ۱۳۹۳؛ توکلی، ۱۳۹۲؛ پیرزهی و بهروان، ۱۳۹۲؛ خواجه سروی و علی احمدی، ۱۳۹۱؛ جمالی و سیف، ۱۳۹۱؛ کلدی و فلاح، ۱۳۸۸؛ فاتحی و دیگران، ۱۳۸۸). براین اساس، هر دیدگاهی جنبه‌ای خاص از تحصیلات دانشگاهی را بررسی نموده است. تحقیقات بسیار محدودی، از جمله آراسته، بهرنگی و شریفی حسین آبادی (۱۳۹۱) نگاه چندجنبه‌ای داشته‌اند. لذا انجام این تحقیق از چند جنبه دارای اهمیت است. اول این که در برخی تحقیقات چوکوودی، فلیکس ارونو و آنووزمب (Chukwudi, Felix Erondu & Onwuazombe, 2012)؛ قره‌آغاجی و میراحدی، ۱۳۹۳؛ صادقی و باقریان، ۱۳۹۲؛ پیرزهی و بهروان، ۱۳۹۲؛ پرولد (Perold, 2012)؛ حقیقت نائینی، ۱۳۹۰؛ سعیدی رضوانی، محمد حسین زاده و باغکلی، ۱۳۸۹؛ سعادت و محقق، ۱۳۸۸)، نتایج ضد و نقیض مشاهده می شود. برخی

تحقیقات دیگر (زارعی، عزیزی و کاظمی، ۱۳۹۳؛ پورامیری، خلیلی و شکوهی، ۱۳۹۲؛ مهربان، داداش خواه و کریمی، ۱۳۹۱؛ قاسمی تودشکچوئی، رحمانی و نیک فرجام، ۱۳۹۰)، نتایج دیگری به صورت تقریباً منفی داشته‌اند. محقق در این پژوهش، با استفاده از مدلی جدید و به کمک کارکردهای چهارگانه‌ی نظریه کنش اجتماعی پارسونز، دانشگاه را به‌مثابه نظامی فرهنگی می‌بیند که چهار خرده‌فرهنگ دارد که هر یک کارکرد خاص خود را دارند. از طرف دیگر، محقق در نظر دارد مقایسه و همسویی بین این ابعاد چهارگانه را نیز به‌دست آورد و براساس آن مشخص کند سهم هر یک از ابعاد چهارگانه‌ی کارکردهای دانشگاه براساس ارزیابی جوانان چگونه است تا بتوان براساس آن، به طور غیرمستقیم انگیزه‌های ورود به دانشگاه را رتبه‌بندی کرد. بنابراین سؤالات پژوهش عبارتند از:

- کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از منظر پاسخگویان در میان جامعه‌ی آماری و به‌صورت تفصیلی در میان افراد مورد مطالعه چگونه است؟

- رتبه‌بندی پاسخگویان از میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چگونه است؟

- آیا کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر سه دسته‌ی جامعه‌ی آماری (دانش آموزان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان) متفاوت است؟

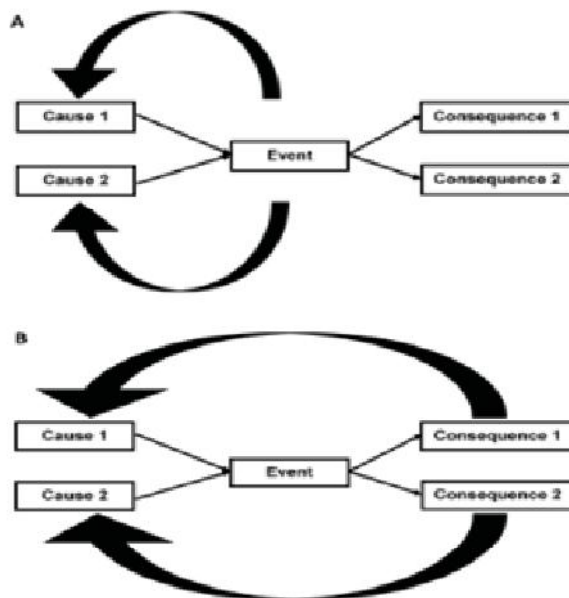
- آیا کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر پاسخگویان (براساس متغیرهای زمینه‌ای مثل جنس، سن، وضعیت تأهل، پایگاه خانوادگی، وضعیت در خانواده، وضعیت اشتغال، رشته‌ی تحصیلی فرد پاسخگو و علاقه به ورود به دانشگاه و نوع دانشگاه) متفاوت است؟

چارچوب مفهومی پژوهش

شارون و نلسون (Sharon & Nelson, 2002: 137) نقش کارکردی نگرش را در دسته‌ای از تئوری‌های توصیف کرده‌اند که بر انگیزه‌ها یا کارکردهایی توجه دارند که

نگرش‌ها آنها را برای فرد به خدمت می‌گیرند. نگرش، مفهومی است که به معنای ارزیابی نیز به کار می‌رود. «درباره‌ی این مفهوم تعاریف زیادی وجود دارد. این واقعیت که ما گرایش داریم جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی را ارزیابی کنیم، یکی از مؤلفه‌های اصلی بسیاری از این تعاریف را تشکیل می‌دهد. از این منظر می‌توان گفت، یک تعریف، به لحاظ کارکردی مناسب است. نگرش در واقع به ارزیابی هر جنبه‌ای از جهان اجتماعی اطلاق می‌شود (Tesser & Martin, 1996)، نقل در بارون، برن و جانسون، ۱۳۸۹: ۲۰۴). «این تعریف از نگرش تلویحاً این جنبه را نیز دربرمی‌گیرد که ارزیابی ما از اشیاء، اشخاص یا رویدادها تا چه حد مثبت یا منفی است. براساس تعریف دیگر، نگرش‌ها تداعی‌های ارزیابانه‌ی اندوخته در حافظه هستند (Fazio & Roskos-Ewoldsen, 1994)، نقل در بارون، برن و جانسون، ۱۳۸۹: ۲۰۴). بنابراین در این تحقیق، محقق دیدگاه جوانان را از جنبه‌ی این گونه نگرش‌های کارکردی بررسی می‌کند زیرا نگرش‌ها، براساس این نظریه، خود بیانگر انگیزه‌های آنان نیز هست. یعنی در واقع، انگیزه‌ها می‌تواند براساس کارکردها مشخص شود. در این زمینه نظریه‌ای مطرح است که افراد، پیامدهای وقایع را، علت در نظر می‌گیرند. براساس مقاله‌ی لبوف و نورتون، (Leboeuf & Norton, 2011: 128) «افراد به طور غیرعادی پیامدهای وقایع را به عنوان علت وقایع بیان می‌کنند. اشارات پاسخگویان درباره‌ی علت وقایع، به طور نظام‌مند تحت تأثیر این امر قرار می‌گیرد که آن علل (از نظر اندازه و فایده) چقدر شبیه پیامدهای آنهاست، حتی وقتی پیامدها از نظر عینی در رابطه با علت‌ها، بی‌فایده باشند. در حالی که ممکن است آن پیامد نسبت به علت بسیار کوچک باشد. این موضوع با نام "تطبیق علت - پیامد" شناخته شده است که می‌تواند بر نگرش‌ها و ارزیابی‌ها نسبت به موضوعات مختلف مؤثر باشد و ایجاد شود زیرا مردم، معمولاً جهان را قابل پیش‌بینی می‌بینند و به همین دلیل، این تطبیق طرحی در دسترس است که به آنها کمک می‌کند این انگیزه تقویت شود». این نویسندگان مطرح می‌کنند که در برخی موارد، با این که چنین استدلال‌های بسیار استثنائی هستند، «مردم به طور فراوان و نظام‌مند اجازه می‌دهند که پیامدهای موضوعی خاص، علل آن

را تحت تأثیر قرار دهد. مخصوصاً ایشان بیان می‌دارند که افراد نه تنها از این اطلاعات درباره‌ی یک رویداد کانونی برای بیان علل آن استفاده می‌کنند (شکل ۱، A)، بلکه هم چنین از این اطلاعات درباره‌ی پیامدهای نهایی وقایع سازنده‌ی چنین استنباطاتی استفاده می‌کنند (شکل ۱، B). حتی وقتی آن پیامدها به طور قراردادی تعیین شوند و سابقه بی‌فایده‌ی نیز درباره‌ی آن رویداد کانونی داشته باشند» (همان: ۱۲۹). این دو نظریه پرداز اظهار می‌دارند که مخصوصاً این گونه استنباطات علیّی ممکن است به وسیله تطبیق پیامدها مشخص شده باشند، زیرا افراد فرض می‌کنند برای مثال، که انجام یک امر وقتی دارای علل بزرگ‌تر (نسبت به علل کوچک‌تر) است که پیامدهای بزرگ داشته باشد و زمانی علت‌های خوب بیشتری دارد که احتمالاً پیامدهای خوب داشته باشد» (همانجا). «فرض این نظریه این است که افراد تمایل دارند "تطبیق علت- پیامد" را بکار گیرند و اثر ادراکی علت این تمایل است. این تطبیق نه تنها می‌تواند فرایند ادراک طبیعی یا افراط بی‌طرفی میان‌بر را منعکس نماید، بلکه می‌تواند پایه‌ی انگیزشی داشته باشد» (همان: ۱۳۰). وقتی افراد بفهمند که جهان قابل پیش‌بینی است، ممکن است این حقیقت را نادیده بگیرند که بعضی پیامدها به طور دلخواه یا به وسیله‌ی شانس تعیین می‌شوند و به جای آن بین پیامدهای یک واقعه و علتش قانون برقرار نمایند. این اتفاق مخصوصاً می‌تواند به شکل "تطبیق علت - پیامد" باشد؛ زیرا افراد به طور طبیعی مثال‌های متعددی مشاهده می‌کنند که در آن علت‌ها و پیامدها از نظر فایده یا شناخت مانند یکدیگر هستند. بنابراین این نظریه‌پردازان پیشنهاد می‌کنند که "تطبیق علت- پیامد" می‌تواند تصویر A را در شکل ۱ ایجاد کند. زیرا علل و پیامدهای ادراک‌کننده به طور نظام‌مند، انگیزه را برای دیدن جهان قابل پیش‌بینی و B در شکل ۱ برانگیخته می‌سازند، زیرا این تطبیق مخصوصاً به صورت طرح علیّی در دسترس است که در آن مردم می‌توانند به تشخیص چنین رابطه‌ی نظام‌مندی تکیه کنند (همانجا).



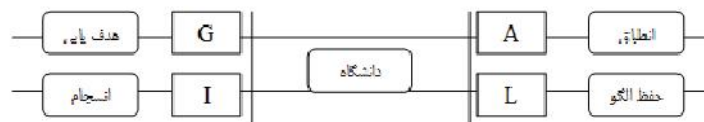
شکل ۱) دو مدل از استدلال علی

منبع: (Leboeuf & Norton, 2011: 129)

نکته: افراد می‌توانند نه تنها به وقایع برای پی بردن به علل وقایع بنگرند (A یا الف)، بلکه ممکن است هم چنین به پیامدهای واقعه (بی فایده بودن واقعه) نیز برای پی بردن به علل وقایع بنگرند (B یا ب).

بنابراین محقق در این مقاله درصدد این است که نشان دهد "تطبیق علت- پیامد" از جنبه‌ها و جهت‌های متنوعی پدیدار می‌شود و جوانان از این تطبیق برای بیان دیدگاه‌های خود درباره کارکردهای تحصیلات دانشگاهی استفاده می‌کنند. محقق با توجه به واکاوی پیشینه‌های تحقیق از جنبه‌های مختلف، سعی کرده است که این جوانب را طوری در نظر بگیرد که تصویر جامعی از کارکردهای تحصیلات دانشگاهی ارائه دهد. براساس نظریه‌ی کنش اجتماعی پارسونز، دانشگاه به‌عنوان یک نظام فرهنگی چهار کارکرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد که برای ادامه بقای خویش باید به نیازهای

متنوع اعضایش در قالب این چهار خرده نظام پاسخ دهد. اساس این چهارکارکرد در نظام سلسله مراتبی سیبرنتیک پارسونز، سطوح واقعیت اجتماعی با چهار ضرورت است، زیرا چهار سطح برای واقعیت اجتماعی وجود دارد که هر کدام به زعم وی یک کارکرد مهم و ضروری دارد.



شکل ۲) خرده نظام های دانشگاه براساس مدل پارسونز

پارسونز برداشت روشنی از سطوح واقعیت اجتماعی و نیز روابطشان داشت و تنظیم سلسله مراتبی این سطوح واقعیت نیز آشکار است. این سطوح در نظام پارسونز به دو شیوه ترکیب شده اند. نخست، آن که هر یک از سطوح پایین تر، شرایط و انرژی مورد نیاز را برای سطوح بالاتر فراهم می کند. دوم این که سطوح بالاتر سطوح زیرین خود را در این سلسله مراتب تحت نظارت دارند. از جهت محیط های فعالیت نظام کنش، پایین ترین سطح که همان محیط جسمانی و سازمانی این جنبه های غیرنمادین بدن انسان، ساختمان بدنی و اعضایش را شامل می شود. در بالاترین سطح، واقعیت غایی قرار دارد که به نظر جکسون تویی^۱ از صبغه ای مابعدطبیعی برخوردار است. اما باز هم به گفته ی تویی، پارسونز این واقعیت را یک امر فراطبیعی نمی نگرد، بلکه منظورش از آن گرایش کلی جوامع بشری به برخورد نمادین با عدم قطعیت ها، دلواپسی ها و فجایع زندگی بشری است که با معنی دار بودن سازمان اجتماعی تعارض دارند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش پیمایش، مقطعی و واحد تحلیل و مشاهده، در سطح خرد (جوانان) هستند. روش جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته براساس طیف برش قطبین

1. Jackson Toby

است. جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل جمعیت جوان (۱۵ تا ۳۰ سال) ساکن شهر گناباد است که براساس آمار سرشماری ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، ۲۰۰۲۸ نفر هستند. براساس فرمول حجم نمونه ($n = \frac{Nt^2S^2}{Nd^2 + t^2S^2}$) تعداد ۴۶۹ نفر نمونه به دست آمد که محقق برای دقت بیشتر، ۵۰۰ نفر در نظر گرفت. از این تعداد، ۴۷۱ نفر به طور دقیق به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. در این فرمول $t = 1/96$ که براساس ضریب اطمینان $0/95$ در نظر گرفته شد. $d = 0/05$ سطح خطای پذیرفته شده و پیش برآورد واریانس $0/312$ است که از ۵۰ پرسشنامه مربوط به پیش‌آزمون برای متغیر وابسته به دست آمد و حجم نمونه براساس فرمول مذکور ۴۶۹ نفر به دست آمد.

$$n = \frac{20028 \times (1/96)^2 \times 0/312}{20028 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times 0/312} = 469$$

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که براساس حوزه‌بندی شهرداری گناباد و مرکز آمار و اطلاعات ایران، این شهر به ۳۱ حوزه‌ی شهری تقسیم‌بندی شده است. ابتدا در یک تقسیم‌بندی کلی، این شهر به سه بخش شمالی، مرکزی و جنوبی قسمت شد. در سمت شمال شهر ده حوزه، در مرکز ده حوزه و در جنوب یازده حوزه قرار دارد. در مرحله‌ی بعد در هر بخش، پنج حوزه و از هر حوزه، پنج بلوک مسکونی به روش تصادفی انتخاب شد که پرسشگران با مراجعه به درب منازل، افراد مورد نظر را یافتند و مصاحبه با آن‌ها انجام شد. برای سنجش متغیر وابسته، وجهه یک فارغ‌التحصیل دانشگاه در نظر گرفته شده است. جدول ۱ تعریف عملیاتی را نشان می‌دهد.

جدول (۱) ابعاد و شاخص های کارکردهای تحصیلات دانشگاهی بر اساس مدل AGIL پارسونز

متغیر	ابعاد	شاخص ها	گویه ها در طیف برش قطبین
کارکرد فرهنگی	کارکرد	کسب دانش و تخصص	متخصص- غیر متخصص/ دارای توانمندی بالا در رشته تحصیلی- دارای توانمندی پایین در رشته تحصیلی
	فرهنگی	خلاقیت و ذهن باز	دارای فهم سطحی- دارای فهم عمیق/ خلاق- غیر خلاق/ کوتاه فکر- بلند نظر/ دارای استعداد شکوفا شده- دارای استعداد شکوفا نشده/ راکد- پویا/ آگاه- ناآگاه
اجتماعی	کارکرد	موقعیت های مشارکت جو- شهروند منفعل/ دارای اعتماد به نفس- بدون اعتماد به نفس	دارای روابط گسترده- دارای روابط محدود/ شهروند فعال و مشارکت جو- شهروند منفعل/ دارای اعتماد به نفس- بدون اعتماد به نفس
	اجتماعی	منزلت اجتماعی	باکلاس- بی کلاس/ سربلند- سرشکسته/ بامنزلت- بی منزلت/ مایه افتخار خانواده- غیر قابل افتخار برای خانواده/ ارزشمند- بی ارزش
کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از منظر جوانان	کارکرد سیاسی	قدرت فردی	قدرتمند در تحقق اهداف شخصی- ضعیف در تحقق اهداف شخصی/ دارای استقلال فکری از خانواده- دارای وابستگی فکری به خانواده/ مؤثر در تصمیم گیری های خانواده- بی اثر در تصمیم گیری های خانواده/ بانفوذ در بین اطرافیان- بی نفوذ در بین اطرافیان
	سیاسی	قدرت سازمانی	بهره مند از راه های متعدد برای پیشرفت- محروم از راه های متعدد برای پیشرفت/ رئیس- زیردست/ مسلط بر دیگران در محیط کار- تحت سلطه دیگران در محیط کار/ فرادست- فرودست
کارکرد اقتصادی	کارکرد	فرصت شغلی مناسب، درآمد کافی	دارای درآمد- هزینه زا/ پولدار- بی پول/ نان آور- نانخور/ ثروتمند- فقیر/ دارای دستمزد کافی و خوب - دارای دستمزد بخور و نمیر
	اقتصادی	کارایی در جامعه	کارآمد در خدمت به جامعه- ناکارآمد در خدمت به جامعه/ تولید کننده- مصرف کننده/ مفید و مؤثر در اقتصاد جامعه- غیر مفید و بی اثر در اقتصاد جامعه

در ادبیات مربوطه، متغیرهای زمینه ای مانند جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سن و... عواملی تأثیرگذار در انگیزه و گرایش افراد برای ورود به دانشگاه عنوان شده اند. بنابراین، تعدادی از این متغیرها (جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، پایگاه خانوادگی، وضعیت در خانواده، وضعیت اشتغال، رشته ی تحصیلی فرد پاسخگو و علاقه به ورود به دانشگاه و نوع دانشگاه) در این پژوهش به کار گرفته شد. روایی پرسش نامه از طریق روش توافق داوران، چندین بار ارزیابی و پس از پیش آزمون، اعتبار صوری آن مجدداً ارزیابی و اعتبار سازه آن نیز سنجیده شد. مقدار kmo در اعتبار سازه ۰/۹۲۶

بود. در نهایت، در پرسش نامه نهایی در هر بعد، هشت جفت کلمه ی متضاد باقی ماند. پایایی ابزار از طریق آلفای کرونباخ برای آلفای کل ۰/۹۲، کارکرد اقتصادی ۰/۸۳، کارکرد اجتماعی ۰/۸۷، کارکرد سیاسی ۰/۸۰ و کارکرد فرهنگی ۰/۸۴ بود. جدول ۲ توزیع نمونه را بر حسب متغیرهای زمینه‌ای نشان می دهد.

جدول ۲) توزیع فراوانی جوانان مورد مطالعه در شهر گناباد بر حسب متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	جنسیت		وضعیت تأهل		وضعیت در خانواده			سن		
	مرد	زن	متاهل	تک‌وزیر	سرپرست خانواده و سرپرست	فرزند	همسر	۱۵-۲۰	۲۱-۲۵	۲۶-۳۰
فراوانی	۲۳۶	۲۳۵	۳۴۶	۱۲۵	۷۸	۳۹۲		۲۰۲	۱۴۰	۱۲۹
درصد معتبر	۵۰/۱	۴۹/۹	۷۳/۵	۲۶/۵	۱۶/۶	۸۳/۴		۴۲/۹	۲۹/۷	۲۷/۴
متغیرهای مستقل	مقطع تحصیلی		وضعیت فعالیت			علاقه برای ورود به دانشگاه		پایگاه اقتصادی - اجتماعی		
	دانشجو	فارغ التحصیل	شاغل	بیکار	حالا	میتواند	زیاد	پایین	متوسط	بالا
	۱۶۴	۱۴۶	۸۵	۷۶	۳	۱۱۶	۳۴۸	۱۳۵	۳۶۸	۵۲
درصد معتبر	۳۴/۸	۳۱/۰	۳۴/۲	۶۵/۸	۱۶/۱	۲۴/۸	۷۴/۵	۲۹/۷	۵۸/۹	۱۱/۴

طبق جدول ۲، ۴۹/۹٪ نمونه زن و ۵۰/۱٪ مردند. ۳۱٪ دانش آموز، ۳۴/۸٪ دانشجوی و ۳۴/۲٪ فارغ التحصیل هستند. ۷۳/۵٪ مجرد و ۲۶/۵٪ متأهل هستند. پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۲۹/۷٪ نمونه در سطح پایین و ۵۸/۹٪ متوسط و ۱۱/۴٪ بالا هستند.

یافته های پژوهش

یافته ها نشان می دهد که در بین چهار کارکرد، کارکرد اجتماعی با میانگین ۳۲ بالاترین نمره را کسب کرده است، بعد از آن کارکرد فرهنگی با میانگین حدود ۳۰ بالاترین نمره را به دست آورده است. کارکرد سیاسی با میانگین ۲۸/۷۱ و کارکرد اقتصادی با میانگین ۲۳/۴۳ کمترین نمره را دارند.

جدول ۳) شاخص های آماری متغیر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی و ابعاد چهارگانه

متغیر	میانگین	میان	مد	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	طیف
کارکرد اقتصادی	۲۳/۴۳	۲۳	۲۲	۶/۱۲۹	۸	۴۰	۳۲
کارکرد سیاسی	۲۸/۷۱	۲۹	۲۷	۵/۰۳۵	۸	۴۰	۲۷
کارکرد اجتماعی	۳۲/۰۶	۳۲	۳۲	۵/۱۴۶	۸	۴۰	۳۲
کارکرد فرهنگی	۲۹/۸۰	۳۰	۳۰	۵/۳۴۰	۱۱	۴۰	۲۹
کارکرد تحصیلات دانشگاهی	۱۱۳/۹۸	۱۱۳	۱۰۹	۱۷/۱۲۸	۵۹	۱۶۰	۱۰۱

برای رتبه بندی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از آزمون فریدمن^۱ که مناسب ترین انتخاب است، استفاده شد. مطابق نتایج جدول ۴، میانگین رتبه ی کارکرد اجتماعی ۳/۴۴ است که بالاترین کارکرد در بین چهار کارکرد دیگر است. بعد از آن، کارکرد فرهنگی با میانگین رتبه ی ۲/۷۶ در مقام دوم قرار دارد. کارکرد اقتصادی نیز با میانگین رتبه ی ۲/۴۴ در اولویت سوم است و در نهایت، کارکرد اقتصادی با میانگین رتبه ی ۱/۳۷ پایین ترین اولویت محسوب می شود.

جدول ۴) اولویت بندی کارکردهای تحصیلات براساس آزمون فریدمن

اولویت	میانگین رتبه	کارکردهای تحصیلات دانشگاهی
۱	۳/۴۴	کارکرد اجتماعی
۲	۲/۷۶	کارکرد فرهنگی
۳	۲/۴۴	کارکرد سیاسی
۴	۱/۳۷	کارکرد اقتصادی

نتیجه ی آزمون فریدمن در مورد اولویت بندی در دو جنس نشان می دهد که اولویت بندی کارکردها در دو جنس مشابه است؛ به طوری که کارکرد اجتماعی در اولویت هر دو جنس قرار دارد، بعد از آن هم به ترتیب، کارکرد فرهنگی و سیاسی قرار دارند. در نهایت هم، کارکرد اقتصادی آخرین اولویت محسوب می شود.

نتایج تحلیل خوشه‌ای

برای دسته‌بندی پاسخگویان از ارزیابی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، از روش "تحلیل خوشه‌ای"^۱ استفاده شد. محقق براساس نمرات هر دسته از اعضای نمونه، پاسخگویان را در سه دسته ضعیف، متوسط و خوب نام‌گذاری کرد. جدول ۵، توزیع فراوانی اعضای نمونه را از این ارزیابی در سه دسته نشان می‌دهد. بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳/۵٪) نسبت به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی نظر خوبی دارند. در دسته ضعیف، ۲۲/۱٪ و در دسته متوسط هم ۲۴/۴٪ قرار دارند.

جدول ۵) توزیع فراوانی دسته‌بندی پاسخگویان از کارکردهای تحصیلات دانشگاهی

دسته بندی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
ضعیف	۱۰۴	۲۲/۱	۲۲/۱
خوب	۲۵۲	۵۳/۵	۷۵/۶
متوسط	۱۱۵	۲۴/۴	۱۰۰/۰
مجموع	۴۷۱	۱۰۰/۰	

نتایج رگرسیون رتبه‌ای برای متغیر وابسته

هدف اصلی این پژوهش، بررسی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی و اولویت‌بندی آن‌ها در نظر پاسخگویان است، اما با استفاده از مجموعه‌ی متغیرهای مستقل موجود در تحقیق، می‌توان به تبیین متغیر وابسته‌ی موجود نیز پرداخت. برای این منظور، رگرسیون رتبه‌ای^۲ مناسب‌ترین نوع رگرسیون است. یکی از مفروضات این رگرسیون این است که زمانی باید به کار گرفته شود که متغیرهای مستقل در سطح اسمی و متغیر وابسته در سطح رتبه‌ای باشد. در این تحقیق نیز متغیر کارکردهای تحصیلی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای در سطح رتبه‌ای طبقه‌بندی شد، پس متغیر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی به‌عنوان متغیر وابسته در سطح ترتیبی وارد معادله می‌شود. سه متغیر سن پاسخگویان و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و علاقه به ورود به دانشگاه نیز

1. Custer Analysis
2. Ordinal Regression

به عنوان متغیرهای فاصله ای در قسمت مربوط به خود (Covariate) قرار می گیرند. سپس متغیرهای جنس، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، وضعیت در خانواده و وضعیت فعالیت که همه در سطح سنجش اسمی قرار دارند، در قسمت مربوطه یعنی Factors قرار می گیرند. آزمون نیکویی برازش مدل و مربوط به مفروضات رگرسیون ترتیبی - با توجه به این که آماره بیش از ۰/۰۵ است - مشخص می کند که مدل تناسب لازم را دارد و بیشتر موارد در مفروضات رگرسیون رعایت شده است. ضریب نکلرک^۱، رقم حدود ۰/۱۳ را نشان می دهد؛ یعنی مجموعه متغیرهای مستقل، حدود ۱۳٪ تغییرات متغیر وابسته را در جامعه ی آماری تبیین می کنند. همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می شود، برآوردهای عرض از مبدأ از سه طبقه کارکردهای تحصیلات دانشگاهی به دو طبقه کاهش یافته است؛ چرا که در دستور رگرسیون ترتیبی، طبقه ی آخر متغیر وابسته، به عنوان طبقه ی مرجع برای بررسی احتمال های تغییر در متغیر وابسته به ازای تغییر در متغیرهای مستقل در نظر گرفته می شود. همان طور که در این جدول مشاهده می شود، تأثیر متغیرهای سن، علاقه به ورود به دانشگاه، جنسیت طبقه ی "زن"، مقطع تحصیلی طبقه ی "دانش آموز و دانشجو"، وضعیت تأهل طبقه ی "مجرد"، وضعیت در خانواده ی طبقه ی "فرزند" و وضعیت فعالیت طبقه ی "بیکار" در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادارند؛ یعنی همراه با کاهش مقادیر متغیرهای سن، مقطع تحصیلی، وضعیت در خانواده و وضعیت فعالیت، میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از نظر پاسخگویان افزایش می یابد و همراه با افزایش علاقه به ورود به دانشگاه، میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی از دید پاسخگویان افزایش می یابد. هم چنین نتایج نشان می دهد نمرات کارکردهای تحصیلی دانشگاه برای زنان و جوانان مجرد بالاتر است.

جدول ۶) برآوردهای مقادیر پارامتر

متغیرها		مقدار برآورد	خطای استاندارد	آزمون والد	درجه ی آزادی	سطح معناداری	۹۵ درصد فاصله ی اطمینان	
دامنه ی پایین تر	دامنه ی بالاتر							
آماره های مربوط به معادله ی رگرسیون سطوح متغیر وابسته								
طبقه ۱	-۲/۴۸۲	۰/۸۶۰	۸/۳۳۴	۱	۰/۰۰۴	-۴/۱۶۷	-۰/۷۹۷	
طبقه ۲	-۰/۶۰۴	۰/۸۵۲	۰/۵۰۲	۱	۰/۴۷۹	-۲/۲۷۴	۱/۰۶۷	
آماره های مربوط به معادله ی رگرسیون متغیرهای مستقل								
سن	-۰/۰۸۲	۰/۰۲۶	۹/۹۳۳	۱	۰/۰۰۲	-۱/۳۴	-۰/۰۳۱	
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۱	۰/۹۸۴	-۰/۰۱۲	۰/۰۱۳	
علاقه به ورود به دانشگاه	۰/۲۳۲	۰/۰۵۹	۱۵/۵۶۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۱۷	۰/۳۴۷	
جنسیت (زن)	۰/۳۵۳	۰/۱۲۹	۷/۴۴۸	۱	۰/۰۰۶	۰/۰۹۹	۰/۶۰۶	
مقطع تحصیلی (دانشآموز)	-۱/۰۹۵	۰/۳۴۸	۹/۸۹۷	۱	۰/۰۰۲	-۱/۷۷۷	-۰/۴۱۳	
مقطع تحصیلی (دانشجو)	-۰/۷۳۳	۰/۲۳۵	۹/۶۹۰	۱	۰/۰۰۲	-۱/۱۹۵	-۰/۲۷۱	
وضعیت تأهل (مجرد)	۰/۵۰۳	۰/۲۰۷	۵/۹۳۵	۱	۰/۰۱۵	۰/۰۹۸	۰/۹۰۸	
وضعیت در خانواده (فرزند)	-۰/۵۲۲	۰/۲۶۳	۳/۹۲۶	۱	۰/۰۴۸	-۱/۰۳۸	-۰/۰۰۶	
وضعیت فعالیت (بیکار)	-۰/۶۳۰	۰/۲۱۱	۸/۹۴۰	۱	۰/۰۰۳	-۱/۰۴۲	-۰/۲۱۷	

سطح معناداری در آزمون خطوط موازی - که کمتر از ۰/۰۵ است - نشان می دهد که تأثیر متغیرهای مستقل بر تمام سطوح (طبقات) متغیر وابسته یکسان نیست؛ یعنی اثر متغیرهای مستقل بر همه ی طبقات متغیر وابسته یکسان نیست.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر در پی دستیابی به دیدگاه های جوانان در مورد کارکردها و دستاوردهای دانشگاه است تا از این طریق، به بخشی از دیدگاه های آنان در مورد دانشگاه و انگیزه های آنان از ورود به دانشگاه پی ببرد. نتایج در بخش توصیفی (جدول ۲) نشان می دهد که کارکردهای اجتماعی تحصیلات دانشگاهی، در اولویت نخست جوانان قرار دارد و کارکرد اقتصادی، در اولویت آخر آن ها قرار گرفته است؛ اما در هر صورت تمامی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، مد نظر جوانان است و به تمامی این کارکردها، نمره ی حداقلی "متوسط" داده شده است. بنابراین، نمی توان گفت که برای جوانان، تنها یک دسته از کارکردها، مثلاً کارکرد اجتماعی مهم است و سایر عوامل در طیف یک تا صفر، نمره ی صفر را می گیرند. در این تحقیق، طبق نظریه ی پارسونز مشخص می شود که تمام چهار خرده نظام در دانشگاه، نقش خود را در ارزیابی های جوانان ایفاء می کنند و آنان در بررسی نگرش یا عملکرد خود همه جوانب را در نظر می گیرند. در حالی که نتیجه ی این پژوهش نشان می دهد که پاسخگویان، کارکرد اول تحصیلات دانشگاهی را کارکرد اجتماعی آن می دانند. یافته ها در اکثر پژوهش های خارجی، مبین این واقعیت هستند که داوطلبان، کارکرد اقتصادی و فرهنگی را به عنوان اولویت کارکردی تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفته اند. اما در تحلیلی جزئی تر، جداول ۳ و ۴ داده ها نشان می دهند جوانان بیش از همه، به کارکرد اجتماعی دانشگاه توجه دارند؛ یعنی کارکردهای اجتماعی تحصیلات دانشگاهی هم چون داشتن منزلت اجتماعی، باکلاس بودن، مایه ی افتخار خانواده و ارزشمندبودن در بین اطرافیان را در رأس کارکردهای دانشگاه دانسته اند. بعد از آن، کارکرد فرهنگی بالاترین نمره را کسب کرده است. این نتایج با نتایج تحقیقات مک نیلا و گانون (MacNeela & Gannon, 2014) ایزدی و دیگران (۱۳۹۳)؛ توکلی (۱۳۹۲)؛ پیرزهی و بهروان (۱۳۹۲)؛ جمالی و سیف (۱۳۹۱)؛ کلدی و فلاح (۱۳۸۸)؛ فاتحی و دیگران (۱۳۸۸) و خواجه سروی و علی احمدی (۱۳۹۲) منطبق است. براساس نظریه "تطبیق علت - پیامد"، می توان دید که جوانان انگیزه های رفتن به دانشگاه و ادامه تحصیل در دانشگاه، را در واقع با پیامدهای آن تفسیر می کنند. از این نتیجه می توان چنین برداشت

کرد که دانشگاه، محلی برای آموزش و انتقال فرهنگ علم و تحقیق و نوآوری در عرصه های علمی است. دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، با آموزش های مهارت های علمی و عملی به نیروی انسانی، به تأمین نیروی کارآمد مورد نیاز جامعه می پردازند. "داشتن تحصیلات دانشگاهی" از گذشته تا به امروز در جامعه ی ما یک ارزش محسوب می شود؛ اما امروز "رفتن به دانشگاه" در جامعه ی ما نه تنها یک "ارزش" است، بلکه به یک "هنجار" تبدیل شده است. نیاز به احترام، به عنوان یک نیاز اساسی و وجود هنجار "رفتن به دانشگاه" در جامعه، داشتن تحصیلات عالی را برای افراد جامعه با ارزش می کند. این تبدیل "رفتن به دانشگاه" به هنجار، یعنی این که اولویت کارکرد اجتماعی برای داوطلبان ورود به دانشگاه (مردان و زنان)، در صدر قرار گرفته است. در صورتی که برای داشتن دانشگاهی کارآمد و تأثیرگذار در جامعه، توجه بیشتر به کارکردهای علمی و فرهنگی دانشگاه، مورد نیاز است. کارکرد سیاسی در رتبه ی سوم قرار دارد و در نهایت، کارکرد اقتصادی کمترین نمره را دریافت کرده است؛ یعنی درآمدزایی، مفید و مؤثر بودن در اقتصاد جامعه، تولید کردن، کارایی در خدمت به جامعه و ... از طریق تحصیلات دانشگاهی را کم اهمیت تر از سایر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی دانسته اند. نتایج تحقیقات زارعی، عزیزی و کاظمی، (۱۳۹۳)؛ پورامیری، خلیلی و شکوهی (۱۳۹۲)؛ قاسمی تودشکچوئی، رحمانی و نیک فرجام (۱۳۹۰) و مهرابیان، داداش خواه و کریمی (۱۳۹۱) تا حدی منطبق با این نتیجه است. نکته ی تأمل برانگیز در این زمینه این است که پاسخگویان، کارکرد اقتصادی دانشگاه را به عنوان آخرین اولویت کارکردهای دانشگاه انتخاب کردند. این نگاه پاسخگویان به کارکرد اقتصادی دانشگاه را می توان براساس نظریه تطبیق علت - پیامد به انتظارات دانشجویان از تحصیل خود در دانشگاه و دستیابی به فرصت های شغلی دانست که در واقع، شاید بتوان گفت نوعی ناهماهنگی در نظام آموزش عالی را می رساند که از طرف جوانان، به علت نامساعد بودن بازار کار در برخی رشته های تحصیلی، اشتباهاً به تحصیلات دانشگاه ربط داده می شود.

براساس اطلاعات جدول ۶، در مجموع زنان نسبت به مردان، کارایی بیشتری برای دانشگاه قائل هستند و این توجیه کننده ی تعداد بیشتر زنان در دانشگاه است. بررسی های

دقیق تر نشان می دهد که زنان به تمامی کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحصیلات دانشگاهی نمره ی بیشتری دادند و این تفاوت با مردان به لحاظ آماری معنادار است. این نتیجه با نظر آراسته، بهرنگی و شریفی حسین آبادی (۱۳۹۱) تناسب دارد. حتی در شرایط کنونی که امکان ورود به بازار کار برای زنان دانش آموخته بسیار مشکل شده است، در مقایسه با مردان، به کارکرد اقتصادی نمره ی بالاتری داده اند. این نتیجه را می توان با نتایج پژوهش های محمودیان و رشوند (۱۳۹۱)؛ قاسمی تودشکچوئی، رحمانی و نیک فرجام (۱۳۹۰)؛ لیاقت دار و دیگران (۱۳۸۸)؛ حیدری، صالحی عمران و منتظری جویباری (۱۳۸۸)؛ آنچور و دیگران (Anchor & et al, 2011)؛ بیرن و دیگران (Byrne & et al, 2012) و کمبر و هونگ (Kember & Hong, 2010) منطبق دانست. براساس نظریه ی "تطبیق علت- پیامد"، علاقه مندی زنان به کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی، احراز شغل و مشارکت سیاسی، در گرایش آن ها به آموزش عالی بسیار مؤثر است. شاغلان فارغ التحصیل هم طبیعتاً در مقایسه با بیکاران فارغ التحصیل، به کارکردهای دانشگاه نمره ی بیشتری دادند (جدول ۶). این نتیجه با تحقیق چوکوودی، فلیکس ارونو و آنووزمب (Chukwudi, Felix Erundu & Onwuazombe, 2012) حقیقت نائینی (۱۳۹۰) و سعیدی رضوانی، محمد حسین زاده و باغگلی (۱۳۸۹) هماهنگی دارد. زیرا کارایی آموزش عالی برای این افراد، تا حد زیادی به اثبات رسیده است. به عبارت دیگر، حاصل تلاش و زحمات خود در دانشگاه را از طریق به دست آوردن شغل مناسب دیده اند. در این نتیجه نیز حضور این نظریه ی "تطبیق علت - پیامد" به وضوح به چشم می خورد. با وجود این که در بسیاری از تحقیق ها، بر اولویت کارکرد اجتماعی در بین دختران و اولویت کارکرد اقتصادی تحصیلات دانشگاهی در بین پسران برای ورود به دانشگاه تأکید شده است (ظهیری نیا و بهروزیان، ۱۳۹۱)، در این تحقیق، اگر چه نمره ی تمامی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در بین زنان بیشتر از مردان است، اما در اولویت بندی ها، برای مردان هم کارکردهای اجتماعی نخستین اولویت است. بنابراین، مردان هم در این نظر، با زنان همسو هستند.

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نیز نشان می دهد که دانش آموزان در مقایسه با

دانشجویان و فارغ التحصیلان، دیدگاه بهتری نسبت به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی دارند. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد کسانی که سن بالاتری دارند (دانشجویان و فارغ التحصیلان)، از آنجا که ورود به دانشگاه را تجربه کرده‌اند، دیدگاه ضعیف‌تری در مقایسه با دانش آموزان دارند و کارکردهای کمتری برای دانشگاه قائل‌اند. این نتیجه با نتیجه‌ی پژوهش پرولد (Perold, 2012) هماهنگ است. این نتیجه نیز بیانگر این موضوع است که دانش آموزان براساس نظریه "تطبیق علت-پیامد"، با توجه به نتایج و پیامدهایی که تحصیلات برای تحصیل کرده‌ها داشته است، ارزیابی بهتری نسبت به دانشجویان دارند، زیرا این دسته از جوانان، تنها به پیامدهای تحصیلات از نظر دستیابی به فرصت‌های شغلی توجه دارند و در صورت نرسیدن به آن، تحصیلات دانشگاهی را مفید نمی‌دانند. تفاوت بین نمره‌ی کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در بین سه گروه دانش آموزان، دانشجویان و فارغ التحصیلان و در کنار آن، تأثیر منفی سن بر کارکردهای تحصیلات دانشگاهی، از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر است. این نتیجه ناظر بر این واقعیت است که دانش آموزان و نوجوانان، با تصور مثبت وارد دانشگاه می‌شوند. آن‌ها دانشگاه را صرفاً محلی برای کسب مدرک دانشگاهی می‌دانند که در آن، امکان جابه‌جایی طبقه‌ی اجتماعی خود و صعود به طبقات بالاتر اجتماعی - اقتصادی را می‌یابند. به همین دلیل است که بیشتر دانش آموزان ایرانی، تمایل زیادی برای ورود به دانشگاه دارند؛ اما در دوران دانشجویی یا فارغ التحصیلی و براساس تحلیل هزینه-فایده‌ای که برای خود (از نظر اقتصادی) می‌نمایند و براساس پیامدهای تحصیلات (دستیابی به فرصت‌های شغلی یا شغل بهتر)، ممکن است نگاه‌شان نسبت به کارکردها و تحصیلات دانشگاهی تغییر کند و در بعضی موارد، مانند افراد فارغ التحصیل بیکار، نگاهی ضعیف به تحصیلات دانشگاهی دارند. این وضعیت، شرایط را برای بی‌انگیزگی و رخوت جوانان که مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند، فراهم می‌کند که به نظام آموزش عالی در معیارهای انتخاب رشته‌های دانشگاهی برمی‌گردد و به تحصیلات دانشگاهی ارتباطی ندارد.

نبود تفاوت در میزان کارکردهای تحصیلات دانشگاهی در میان پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت، از دیگر یافته‌های این پژوهش است. نتیجه‌ی این تحقیق، همسو

با سایر پژوهش های این زمینه نشان می دهد که جوانان با پایگاه های اقتصادی و اجتماعی متفاوت، نمره های یکسانی به کارکردهای تحصیلات دانشگاهی می دهند. تنها استثنا در این زمینه، کارکردهای اقتصادی تحصیلات دانشگاهی است. بدین معنا که جوانانی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری دارند، نمره ی بیشتری به کارکردهای اقتصادی دانشگاه می دهند. این نتیجه تا حدودی منطقی به نظر می رسد؛ زیرا جوانانی که والدین آن ها از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند و از لحاظ پایگاه اقتصادی و درآمدی هم در سطح بالایی قرار می گیرند، کارایی تحصیلات دانشگاهی را به وضوح در زندگی والدین خود مشاهده کرده اند و الگوهای موفق از فارغ التحصیلان دانشگاهی را در کنار خود می بینند. این روند، خود بر چرخش و انتقال سرمایه ی فرهنگی خانواده مؤثر است. گرایش شدید به آموزش عالی در بین جوانان و بویژه زنان، ناشی از نبود یا کمبود زمینه های دیگر برای پیشرفت و موفقیت برای آنان در جامعه است. مسئولان می توانند با چاره اندیشی در این زمینه، برای رفع موانع حقوقی، قانونی، اجتماعی و فرهنگی، گام های مؤثرتری بردارند. افزایش بسیار زیاد زنان تحصیل کرده، گرچه در حیات خانوادگی و فردی، مفید و مؤثر قلمداد می شود، در نهایت، موجب حضور گسترده ی قشری از زنان در جامعه می شود که به سرخوردگی اجتماعی دچار شده اند. برای داشتن مجامع دانشگاهی پویا و شکوفا در جامعه، باید به خروج تحصیلات دانشگاهی از نماد منزلت و وجهه ی صرف برای افراد توجه کرد. به این ترتیب، با ورود نیروهای جویای حقیقی علم به دانشگاه، دانش مداری در کانون توجه قرار می گیرد که این خود به تحول بنیادی در نظام ارزش گذاری جامعه نیازمند است؛ اما شروع این حرکت می تواند از دانشگاه باشد. مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها به عنوان نهادهای مولد دانش، باید برای تربیت دانشجویان، هدفمند تلاش کنند و این امر تحقق نمی یابد مگر در سایه ی دقت در انتخاب و گزینش دانشجویان، بویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی و اجتناب از گسترش بی حساب و نمایشی آن و سپس شکل دهی به دانشجویان به عنوان نیروی کارآمد و کارآفرین. با روند کاهش جذب دانشجو به دلیل کاهش جمعیت جوانان، از این پس می توان به کیفیت آموزشی توجه بیشتری داشت که این امر نیازمند نظارت

انتقادی بر کیفیت گروه‌های آموزشی تمامی دانشگاه‌ها و مقاومت در برابر حاکمیت معیارهای کمی بر آموزش عالی است.

منابع

- آراسته، حمیدرضا؛ بهرنگی، محمدرضا؛ شریفی حسین آبادی، مهین (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه‌ی تحصیل در دانشگاه". *مجله‌ی آموزش عالی ایران*، سال چهارم، ش ۴ (زمستان): ۱-۲۴.
- احمدی، سعید؛ خضری، حسن (۱۳۹۰). "مقایسه‌ی مهارت‌های تدریس معلمان فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور و دولتی". *مجله‌ی پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، دوره دوم، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان): ۳۲-۴۱.
- احمدی، محمدحسین؛ الوند، مریم؛ قهرمانی، فریبا (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر دروس تخصصی رشته‌ی انتظامی دوره‌ی کاردانی مصوب دانشگاه علوم انتظامی بر عملکرد فارغ‌التحصیلان". *مجله‌ی توسعه‌ی مدیریت نیروی انسانی و پشتیبانی*، دوره ششم، ش ۲۲ (زمستان): ۳۷-۸۱.
- اسدیگی، محمد؛ نادری، ابوالقاسم؛ انتظاری، یعقوب (۱۳۹۲). "ارزیابی مورد انتظار دانشجویان از تحصیلات دانشگاهی". *فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره نوزدهم، ش ۶۸ (تابستان): ۱۴۱-۱۶۰.
- ایزدی، صمد، و دیگران (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط سرمایه‌ی فرهنگی با انگیزه‌ی ورود به دانشگاه و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان". *توسعه‌ی آموزش در علوم پزشکی*، دوره هفتم، ش ۱۴ (تابستان): ۱۱-۱۹.
- بارون، رابرت ا؛ برن، دونا؛ جانسون، بلرتی (۱۳۸۹). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه علی تحصیلی. تهران: نشر آمه.
- پورامیری، علی؛ خلیلی، قدسیه؛ شکوهی، مصطفی (۱۳۹۲). "خودارزیابی پزشکان عمومی فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی کرمان نسبت به توانایی تشخیص و درمان مشکلات ارتوپدی". *گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، دوره دهم، ش ۱ (بهار): ۱-۱۲.

- پیرزهی، عبدالخالق؛ بهروان، حسین (۱۳۹۲). "عوامل جامعه شناختی مؤثر بر انگیزه ی تحصیلی دانشجویان دانشگاه فردوسی". *مجله ی علوم/اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره دهم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۲۳-۵۶.
- توکلی، محمدرضا (۱۳۹۲). "بررسی شیوع اهمال کاری تحصیلی در بین دانشجویان و ارتباط آن با ویژگی های جمعیت شناختی. ترجیح زمان مطالعه و هدف از ورود به دانشگاه". *فصلنامه ی روان شناسی تربیتی*، دوره نهم، ش ۲۸ (تابستان): ۹۹-۱۲۴.
- جمالی، صغری؛ سیف، دیبا (۱۳۹۱). "پیش بینی تحول روانی - اجتماعی دانشجویان استعداد درخشان بر مبنای تجارب حاصل از تحصیل در دانشگاه". *مجله ی روان شناسی*، دوره شانزدهم، ش ۶۲ (تابستان): ۱۲۱-۱۴۱.
- حقیقت نائینی، غلامرضا (۱۳۹۰). "ارزیابی تأثیربخشی فارغ التحصیلان کارشناسی گروه شهرسازی دانشگاه هنر طی سال های ۱۳۷۸-۱۳۸۴". *معماری و شهرسازی دانشگاه هنر*، دوره سوم، ش ۶ (بهار و تابستان): ۵-۲۳.
- حیدری، حجت صفار؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ منتظری جویباری، انسیه (۱۳۸۸). "زمینه یابی افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی، مطالعه موردی: دانشگاه مازندران". *مجله ی آموزش عالی ایران*، سال اول، ش ۴ (زمستان): ۸۵-۱۰۶.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زارعی، جواد؛ عزیزی، احمد؛ کاظمی، اعظم (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر کاهش میل به ادامه تحصیل در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز". *توسعه ی آموزش در علوم پزشکی*، دوره هفتم، ش ۱۵ (پائیز): ۴۹-۵۹.
- خواجه سروی، غلامرضا؛ علی احمدی، علی رضا (۱۳۹۱). "طراحی و اجرای مدل عمومی ارزیابی پیشرفت فرهنگی - اجتماعی در دانشگاه ها". *مجله تحقیقات فرهنگی*، دوره پنجم، ش ۲۰ (زمستان): ۲۳-۴۲.
- سعادت، سهیل؛ محقق، محمدعلی (۱۳۸۸). "بررسی انگیزه ادامه ی تحصیل و وضعیت شغلی داوطلبان شرکت در آزمون پذیرش دستیار در سال ۱۳۸۶". *مجله طب*

- و تزکیه، سال هجدهم، ش ۷۲ و ۷۳ (بهار و تابستان): ۴۷-۵۵.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین زاده، معصومه؛ باغگلی، حسین (۱۳۸۹). "سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد". *مطالعات تربیتی و روان شناسی*، دوره یازدهم، ش ۲ (پائیز و زمستان): ۵۷-۸۶.
- صادقی، مصطفی؛ باقریان، علی (۱۳۹۲). "ارزیابی میزان و عمل اشتیاق به ادامه ی تحصیل در دانشجویان دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان". *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، دوره دوازدهم، ش ۲ (اردیبهشت): ۱۰۳-۱۱۴.
- صالحی، غلامرضا (۱۳۸۸). *دانشگاه ایرانی (درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی)*. تهران: کویر.
- ظهیری نیا، مصطفی؛ بهروزیان، بهروز (۱۳۹۱). "مقایسه عوامل مؤثر در ورود زنان و مردان به دانشگاه". *زن و جامعه*، سال سوم، ش ۴ (زمستان): ۶۹-۸۹.
- فاتحی، ابوالقاسم، و دیگران (۱۳۸۸). "چرایی افزایش نسبی ورود دختران به دانشگاه، مطالعه موردی: دانشگاه اهواز". *مطالعات راهبردی زنان*، دوره یازدهم، ش ۴۴ (تابستان): ۱۷۳-۲۰۴.
- قاسمی تودشکچوئی، غلام رضا؛ رحمانی، مقداد؛ نیک فرجام، مسعود (۱۳۹۰). "نگرش دانشجویان مقطع علوم پایه ی دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد نسبت به روان پزشکی و تمایل آنان برای ادامه تحصیل در این رشته". *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*، دوره بیست و نهم، ش ۱۶۵ (بهمن): ۱-۱۰.
- قره آغاچی، ناهید؛ میراحدی، مژده (۱۳۹۳). "بررسی میزان انگیزه و علاقه دانشجویان کارشناسی رشته رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی تبریز نسبت به انتخاب شغل و یا ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در سال ۱۳۹۱". *فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی*، دوره پنجم، ش ۲ (تابستان): ۱۴۸-۱۵۵.
- کلدی، علیرضا؛ فلاح، فاطمه (۱۳۸۸). "بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه ها از نظر دانشجویان". *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، ش ۱ (بهار): ۷۱-۸۹.

- لیاقت دار، محمدجواد، و دیگران (۱۳۸۸). "تأثیر و نقش نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی". *جامعه شناسی کاربردی*، سال بیستم، ش ۱، پیاپی ۳۳ (بهار): ۷۱ - ۸۲.
- مهربان، فردین؛ داداش خواه، زینب؛ کریمی، زینب (۱۳۹۱). "نگرش دانشجویان بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی". *مجله پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، دوره چهارم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۳ - ۴۸.
- محمودیان، حسین؛ رشوند، مرجان (۱۳۹۱). "اشتغال زنان فارغ التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن، مطالعه موردی: شهر تهران". *زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، ش ۱ (بهار): ۸۳ - ۱۰۴.
- هاشمی پور، مریم السادات؛ نوابی، نادر؛ سرداری، الهه (۱۳۹۰). "عوامل مؤثر بر تمایل به ادامه ی تحصیل در رشته های مختلف تخصصی در دانشجویان دانشکده های دندان پزشکی کرمان، رفسنجان و زاهدان". *مجله آموزش در علوم پزشکی*، دوره یازدهم، ش ۸ (اسفند): ۹۷۹ - ۹۸۲.
- Adams, John E. (1997). "A Study to Determine the Impact of a Precollege Intervention on Early Adolescent Aspiration and Motivation for College in West Virginia". Dissertation of Doctor of Philosophy, Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Anchor, J. Fiserova & et al. (2011). "Student expectations of the financial returns to higher education in the Czech Republic and England: Evidence from Business schools". *Economics of Education Review*, vol. 30, No. 4: 673-681.
- Byrne, M. & et al. (2012). "Motivations, expectations and preparedness for higher education: A study of accounting students in Ireland, the UK, Spain and Greece". *Accounting Forum*, Vol. 36, No. 2: 134-144.
- Davis, H.; Noland, B.; Deaton, R. (2001). "Novel approaches to college choice: A survey of post-secondary opportunities". (AIR)

- annual meeting: 1-28. Long Beach, CA, June 3-6. (online). Available: <http://www.state.tn.us/thec/policyinit.html>
- Giannelli, G. C; Monfardini, C. (2000). "Joint Decisions On Household Membership And Human Capital Accumulation Of Youths, The Role Of Expected Earning and Local Markets". IZA, Discussion Paper, No. 191: 1-33. (online). available on the center's homepage www.iza.org
- Kember, D.; Ho, A.; Hong, C. (2010). "Initial motivational orientation of students enrolling in undergraduate degrees". *Studies in Higher Education*, Vol. 35, No. 3: 263-276.
- Sharon, S. & Nelson M. (2002). "The Role of Attitude Functions in Persuasion and Social Judgment". PP. 137-153. Drived from *The persuasion handbook: Developments in theory and practice*, SAGE Publications. Edited by: James Price Dillard & Michael Pfau.
- Drived from Price Dillard, J. & Pfau, M. (2002). *The persuasion handbook: Developments in theory and practice*, SAGE Publications.
- Chukwudi Ugwu, A; Felix Erundu, O. ; Onwuazombe, C. (2012). "Attitudes and Barriers to Post Graduate Education among Radiographers in South Eastern Nigeria", *International Journal of Tropical Disease & Health*, Vol. 2, No. 2: 112-122.
- Leboeuf, B. A.; Norton, M. I. (2012). "Consequence- Cause Matching: Looking to the Consequences of Events to infer Their Causes". *Journal of Consumer Research*, Vol. 39, No. 10: 128-141.
- MacNeela, P.; Gannon, N. (2014). "An Interpretative Phenomenological Analysis of University Student Volunteering", *Journal of Adolescent Research*, Vol. 29, No. 3: 407-436.
- Perold, H. (2012). "Viewing post - school education from a youth perspective". *University World News Global Edition*.